



فاصله تعاملی و معضل همکاری در مجتمع‌های مسکونی؛

یک مطالعه موردی در شهر مشهد

عطیه صادقی^۱، احمد رضا اصغرپور ماسوله^۲

atiye.sadeghy@gmail.com

چکیده

در جامعه^۱ مدرن همزمان با افزایش جمعیت، پیچیدگی ساختاری به وجود آمده است پیچیدگی ساختاری دربردارنده^۲ تفکیک میان کارکردها و به وجود آمدن خرده نظام‌های جدید جهت پاسخگویی به هر یک از کارکردهایی است که قبلاً نهادهای سنتی تام آن‌ها را برآورده می‌کرد. خانه در جامعه^۳ امروز، بسیاری از دیگر کارکردها را ازدست داده است. خانه از نگاه کنشگران محل مناسبی برای برگزاری مهمانی‌های خانوادگی، ورزش و تفریح نیست. افراد ترجیح می‌دهند این امور را در محیط‌های تخصصی مانند مراکز تفریحی، ورزشی، رستوران‌ها و سالن‌ها انجام دهند. با این وجود، خانه تنها محلی برای خواب و استراحت خواهد بود. در چنین شرایطی ساکنان یک آپارتمان از ساکنان واحدهای هم‌آپارتمان خود بی اطلاع بوده و هیچ گونه ارتباطی با آن‌ها ندارند. فقدان تعامل در زندگی آپارتمان نشینی امروزی و بی‌اهمیت بودن حال و روز دیگران برای مردم به شکل یک عادت یا حتی پرستیژ درآمده است. بنابراین این امر می‌تواند مشکلاتی در همکاری و تولید خیر جمعی در مجتمع مسکونی به همراه داشته باشد. از اینرو در این مقاله سعی شده است تا با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای و مصاحبه با ساکنین مجتمع مسکونی لاله در شهر مشهد، فهم ذهنی آنان از روابط اجتماعی روشن شوند. بر این اساس ۳۵ مصاحبه در مورد خانوار صورت گرفت. بر پایه تحلیل یافته‌ها و کدگذاری مشخص گردید موانع ساختاری، موانع ارتباطی زمینه فاصله تعاملی را ایجاد می‌کند. حضور بلند مدت یا وجود چشم انداز سکونت بلند مدت در یک مکان موجب می‌شود افراد سرمایه گذاری‌های مالی و اجتماعی بیشتری انجام دهند... عدم اعتماد، روابط قهر آمیز، منفعت طلبی ساکنین، کنترل مرکزی ضعیف، ذهنیت منفی نیز از جمله شرایطی است که ممکن است منجر فاصله تعاملی گردد. همکاری شکننده و بسیار ابتدایی از پیامدهای چنین امری در مجتمع مسکونی خواهد بود که هر لحظه امکان فروپاشی آن وجود دارد.

واژگان کلیدی: فاصله تعاملی گریزناپذیر، همکاری، مجتمع مسکونی

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

^۲ استادیار جامعه شناسی دانشگاه فردوسی مشهد



۱. مقدمه

تفکیک اجتماعی مفهومی با سابقه در جامعه شناسی است که عمدتاً در نظریه های تغییر اجتماعی به کار می رود. این مفهوم اشاره به فرایندی می کند که از طریق آن مجموعه ای از فعالیت های اجتماعی به وسیله یک نهاد اجتماعی انجام می شود و بین نهادهای اجتماعی متفاوت شکاف ایجاد می کند. تفکیک، تخصصی شدن فزاینده بخش های جامعه نا همگونی در آن را نمایش می دهد. گرچه تفکیک موجب تخصصی شدن و بهبود کیفیت خدمات و نیز رشد فن آوری می شود اما در این پژوهش با توجه به شواهد ارایه شده تفکیک های روزافزون و تکه تکه شدن حیات کژکارکردهایی هم دارد. به عقیده مرتن همچنان که ساختارها یا نهادها می توانند به حفظ بخش های دیگر نظام اجتماعی کمک کنند، می توانند برای آنها پیامدهای منفی نیز داشته باشند. به عنوان مثال هنگامی که کارکردهای فراوان و سنتی خانواده در جامعه مدرن بر عهده سازمان های رسمی متفاوتی گذارده شده است و خانواده تنها برخی کارکردهای خاص را انجام می دهد بخش اعظم آن چه در خانواده سنتی روی می داد هم از بین رفته است.

در شهرهای امروزی ان چنان حیات اجتماعی تکه تکه شده است که انسجام اجتماعی را به خطر انداخته است. هنگامی که افراد تنها بر اساس درآمد و سود و زیان مالی و پرستیژ محلات دست به انتخاب می زنند و تعلق خاطر چندان نقشی در انتخاب آنها ندارد نمی توان انتظار داشت که مدت طولانی در یک محله مسکونی بمانند. گرچه شهروندان در مجتمع های بزرگ و کوچک و مجاورت و تراکم فیزیکی بالا زندگی می کنند اما چون خانه دیگر کارکردهای قدیم خود را ندارد به همین نسبت روابط اجتماعی هم از هم گسیخته و در نتیجه نمی تواند بسیاری از زیادهای شهروندان را برآورده سازد.

در بسیاری از مجتمع های مسکونی ساکنان تنها برای خواب و استراحت در خانه حاضر می شوند. افراط در استفاده از وسایل ارتباطی الکترونیک موجب شده است حتی در داخل خانه ها در ساعاتی استراحت تعامل های زیادی وجود نداشته باشد. بعد خانوارهای امروزی هم کاهش یافته است و به به زیر چهار نفر رسیده است. همه این ها موجب می شود که ساکنان مجتمع آپارتمانی در یک هماهنگی منفی تصمیم بگیرند که «کاری به کار هم نداشته باشند».

وقتی که از کودکان در مهدکودک ها مراقبت می شود یعنی در ساعات زیادی هیچ کودکی در ساختمان وجود ندارد. وقتی که زوجین هر دو شاغل هستند یعنی در ساعات زیادی از روز خانه خالی است. مراسم های جمعی فامیلی هم حتی در رستوران ها و تالارها برگزار می شود دیگر کمتر خانواده ای حتی جشن های خود را خانه برگزار می کند. در واقع اگر تمام این شواهد را کنار هم بگذاریم روشن می شود که محل سکونت تنها برای خواب و استراحت است. در چنین فضایی افراد ترجیح می دهند فاصله تعاملی خویش را با همسایگان رعایت کنند فقدان تعامل در زندگی آپارتمان نشینی امروزی و بی اهمیت بودن حال



و روز دیگران برای مردم به شکل یک عادت یا حتی پرستیژ درآمده است. بنابراین این امر می‌تواند مشکلاتی در همکاری و تولید خیر جمعی در مجتمع مسکونی به همراه داشته باشد چرا که زندگی در آپارتمان‌ها نیازمند تعامل و همکاری با دیگر همسایگان در حل مشکلات مجتمع ساختمانی، اعتماد به همسایه‌ها به لحاظ نزدیکی فضایی، رعایت حقوق همسایگان و احترام متقابل به آزادی‌های فردی یکدیگر است. بنابراین شکل گیری کالای جمعی را به خطر می‌اندازد چرا که بخش مهمی از حیات اجتماعی مربوط به تولید و نگهداری از منافع و کالاهایی است که مالکیت و بهره برداری از آن‌ها جمعی است. در چنین شرایطی به دشواری می‌توان انتظار داشت که همکاری فراتر از «به کار هم کار نداشتن» در یک مجتمع مسکونی انجام شود.

۲. پیشینه تحقیق

انصاری و عطایی (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان «بررسی میزان و تأثیر سرمایه اجتماعی بر روابط اجتماعی ساکنان مجتمع‌های مسکونی (مطالعه موردی دو منطقه از شهر اصفهان)» تلاش می‌کنند تا به بررسی تأثیر این عامل در شکل‌گیری روابط در مجتمع‌های مسکونی بپردازند. آنان معتقدند با افزایش سرمایه اجتماعی، اعتماد، مشارکت و مسئولیت اجتماعی نیز بالاتر خواهد رفت و طبعاً آرامش بیشتری بر فضای مسکونی حاکم می‌گردد. آنان از نظریه‌های دورکیم، مارکس، کلمن، بوردیو و فوکویاما جهت تحلیل سرمایه اجتماعی استفاده می‌کنند. دو منطقه ملک شهر و سپاهان شهر را انتخاب کرده و از بین آپارتمان‌نشین‌های هر کدام از آن مناطق ۱۹۲ نفر را به صورت در دسترس انتخاب کردند. یافته‌های تحقیق آنان نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی ساکنین مجتمع‌های مسکونی در هر دو منطقه بر روابط آنان تأثیر دارد. فرض دوم آنان نیز که تأثیر آگاهی بین شخصی ساکنان مجتمع بر روابط آن‌ها بود در منطقه ملک شهر رد و در منطقه سپاهان شهر تأیید گردید. فرضیه سوم که بیانگر رابطه اعتماد و روابط اجتماعی بود نیز تأیید گردید. اعتماد دارای خاصیت تقویت‌کننده روابط است بنابراین در صورتی که شهروندان به یکدیگر اعتماد کنند، آن‌ها بیشتر می‌توانند از روی میل و همکاری روابط بهتری شکل دهند. فرض چهارم آنان نیز که میزان مشارکت بر روابط را می‌سنجید نیز تأیید گردید و فرضیه آخر آنان نیز تأیید شد. تعهد اجتماعی بین ساکنان مجتمع بر روابط اقتصادی آنان تأثیر دارد.

هدف اصلی ابراهیم‌زاده (۱۳۸۹) در مقاله خود با عنوان «آپارتمان‌نشینی در شهرهای اسلامی و مشکلات فرهنگی ناشی از آن، مطالعه موردی: شهر زاهدان» درک روند رشد آپارتمان‌نشینی در شهر زاهدان و مسائل و مشکلات اجتماعی و فرهنگی ناشی از آن است. جامعه آماری او بخشی از خانوارهای ساکن چهار دسته آپارتمان استیجاری، مشارکتی، تعاونی و شخصی‌ساز تشکیل می‌دهند. از مجموع ۴۰۰۰ واحد



آپارتمانی حدود ۱۰ درصد به روش تصادفی سیستماتیک انتخاب گردید. در مجموع مشکلات آپارتمان‌نشینی در شهر زاهدان عبارت است از تنوع فرهنگی بسیاری در بین ساکنین مجتمع‌های مسکونی دیده می‌شود و از این رو تضاد فرهنگی به جهت وجود خرده فرهنگ‌های متفاوت حاصل می‌گردد. این تضاد فرهنگی با توجه به نزدیک بودن در مجتمع‌ها بیشتر جلوه می‌کند. همین عوامل باعث شده است تا روابط صحیح اجتماعی در واحدهای مسکونی شکل نگیرد. و ناسازگاری و تنش در این مجتمع‌ها دیده شود.

محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه خود با عنوان «میزان مشکلات آپارتمان‌نشینی و عوامل تأثیرگذار بر آن در کرج» به بررسی مسایل آپارتمان‌نشینی پرداختند. با توجه به مبانی نظری مشکلات اجتماعی به عنوان متغیر وابسته تحقیق مطرح کردند که شامل چند بعد شامل شلوغی، بی‌نظمی، ساخت فیزیکی آپارتمان، عدم مشارکت است. در این مطالعه از روش پیمایش استفاده شده است. جامعه آماری آنان کلیه واحدهای مسکونی آپارتمانی هستند. یافته‌های تحقیق آنان نشان می‌دهد میزان مشکلات آپارتمان‌نشینی در کرج بالنسبه بالاست. مشکلات آپارتمان‌نشینی با متغیرهای تعداد واحدهای آپارتمان، قدمت آپارتمان، نوع تملک آپارتمان، میزان تغییر ساکنین، روابط همسایگی، تراکم جمعیت، کیفیت ساخت فیزیکی، کارآمدی قوانین آپارتمان‌نشینی و میزان تردد در آپارتمان همبستگی معنی‌داری دارد که از آن میان با تغییر ساکنین، تراکم جمعیت، کارآمدی قوانین آپارتمان‌نشینی و میزان تردد در آپارتمان رابطه مستقیم مشاهده می‌شود اما رابطه میزان روابط همسایگی و کیفیت ساخت فیزیکی با میزان مشکلات آپارتمان‌نشینی معکوس است. متغیرهای مساحت واحدها، میزان امکانات، آگاهی به قوانین آپارتمان‌نشینی، سطح تحصیلات، تعداد اعضای خانوار، قومیت، نوع مسکن قبلی، جنس، سن مدت آپارتمان‌نشینی با میزان مشکلات آپارتمان‌نشینی نیست. محمد پور و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله خود با عنوان «مطالعه کیفی فرهنگ آپارتمان‌نشینی در شهر

همدان»، به بررسی مشکلات آپارتمان‌نشینی پرداختند. سؤالات تحقیق آنان عبارت‌اند از:

مشخصه‌های عام فرهنگ آپارتمان‌نشینی در همدان چه هستند؟

آپارتمان‌نشینان چه درک و تفسیر از زندگی آپارتمان‌نشینی دارند؟

مسائل و مشکلات فرهنگی - اجتماعی آپارتمان‌نشینی در همدان چه هستند؟

روش تحقیق آنان مردم‌نگاری بوده و داده‌ها از طریق مصاحبه با ساکنان آپارتمان‌نشین و نیز مشاهده مستقیم گردآوری شده است. با توجه به کیفی بودن پژوهش، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. مصاحبه با افراد ساکن مجتمع آپارتمانی و کسانی که در این مجتمع مشغول به کار بودند صورت گرفته است مانند: نگهبانان، خدماتی‌ها، هیئت‌مدیره. تعداد مصاحبه‌های آنان نیز بر اساس معیار اشباع نظری تعیین شد، در مجموع آنان با ۴۰ سکنه مصاحبه کرده‌اند. محمد پور و همکاران نتیجه می‌گیرند که فاصله تعاملی،



مسئله نظافت، تنوع فرهنگی، وسعت فضای زندگی مشترک، ناآگاهی از قوانین آپارتمان، مسئله پرداخت شارژ و مسئله تردد از جمله عناصر فرهنگ آپارتمان‌نشینی در همدان است.

۳. چارچوب مفهومی

تحقیقات کیفی برخلاف پژوهش‌های کمی که مبتنی بر یک چارچوب نظری جهت نظریه آزمایی هستند از چارچوب مفهومی استفاده می‌کنند. چارچوب مفهومی مجموعه مفاهیم به هم مرتبطی را شامل می‌شود که بر مفاهیم عمده مورد مطالعه تمرکز دارد و آن‌ها را در قالب یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند می‌دهد (پاتن، ۲۰۰۱ به نقل از محمدپور و ایمان، ۱۳۸۷) به همین دلیل با توجه به کیفی بودن روش پژوهش حاضر از چارچوب مفهومی استفاده می‌گردد.

۳-۱- کنش

اگر رفتار دارای معنی باشد و به عبارت دیگر اگر رفتار معنی دار یا با بی معنی باشد عمل نامیده می‌شود. معنی عمل یعنی مدلول عمل، به عبارت دیگر همانطور که منطق‌یون درباره دلالت گفته‌اند که: دال وضعی به طور قراردادی بر مدلول دلالت می‌کند؛ این رفتار عمل خواهد بود.

۳-۱-۱ کنش قانونی و غیرقانونی

در بسیاری از وضعیت‌های اجتماعی، ما با دیگران وارد کنش متقابل غیرقانونی می‌شویم. این اصطلاح را نخستین بار گافمن به کار برد. کنش متقابل غیرقانونی هنگامی رخ می‌دهد که افراد اطلاع دوجانبه از حضور یکدیگر را به نمایش می‌گذارند. این وضعیت معمولاً هنگامی پیش می‌آید که شمار زیادی از مردم یک جا جمع شده‌اند، مثل خیابان شلوغ، یا تئاتر یا مهمانی، وقتی مردم در انتظار دیگران اند، حتی اگر مستقیماً با آن‌ها حرف نزنند، به طور مداوم مشغول ارتباطات غیرکلامی از طریق ادها و حالات چهره‌شان هستند. کنش متقابل قانونی هنگامی رخ می‌دهد که افراد مستقیماً به آنچه دیگران می‌گویند یا انجام می‌دهند توجه داشته باشند. جز در مواقعی که کسی تنها ایستاده باشد، مثلاً در یک مهمانی همه کنش‌های متقابل دربرگیرنده مبادله‌های قانونی و نیز غیرقانونی است گافمن هر موردی از کنش متقابل قانونی را یک مرادفه می‌نامد، و بخش بزرگی از زندگی روزمره ما از مرادفه‌هایی با سایر مردم تشکیل می‌شود، مرادفه‌هایی که در اغلب موارد در پس زمینه ای از کنش متقابل غیرقانونی با افراد دیگری که در صحنه حضور دارند، رخ می‌دهد. گفت و گوهای کوتاه، بحث‌های سمیناری، بازی‌ها و تماس‌های معمولی رو در رو همگی مثال‌هایی از مرادفه محسوب می‌شوند.



مراوده همیشه نیازمند «نقطه آغاز» است که حاکی از کنار گذاشتن بی اعتنایی مدنی است. وقتی غریبه ها با هم ملاقات و شروع به صحبت می کنند- مثلاً در یک مهمانی- لحظه توقف بی اعتنایی مدنی همواره مخاطره آمیز است، چون به راحتی ممکن است درباره ماهیت مراوده ای که آغاز شده، سوتفاهم هایی پیش بیاید (گافمن، ۱۹۷۱) از این رو برقراری یک تماس چشمی ممکن است در ابتدا حالتی مبهم و آزمایشی داشته باشد. سپس اگر این پیش درآمد پذیرفته نشود، فرد می تواند طوری عمل کند که انگار هیچ منظوری نداشته و اقدام مستقیمی برای شروع مراوده صورت نداده است. در کنش متقابل کانونی همه همانقدر که با کلماتی که رد و بدل می کنند با هم ارتباط برقرار می کنند، از حالت چهره و اداها نیز استفاده می کنند (گیدنز، ۱۳۸۷، ۱۳۶).

۲-۳- ناحیه جلو و پشت صحنه

بخش اعظم زندگی اجتماعی را می توان به ناحیه پشت و ناحیه جلو تقسیم کرد. نواحی جلو آن دسته از موقعیت های اجتماعی یا مراوده ها هستند که افراد نقش های رسمی را به اجرا می گذارند؛ نواحی جلو یا همان «اجراهای روی صحنه» هستند. کارهای گروهی غالباً مستلزم آفریدن اجراهایی در ناحیه جلو هستند. نواحی پشت جاهایی است که مردم در آنجا ادوات صحنه و نمایش را سرهم بندی و خود را مهیای کنش متقابل در محیط های رسمی تر کنند. نواحی پشت شبیه پشت صحنه یک تئاتر و فعالیت های پشت صحنه یک فیلمبرداری است. وقتی مردم با خیالی آسوده پشت صحنه باشند، می توانند استراحت کنند و احساسات و رفتارهایی که روی صحنه کنترل می کردند آزاد بگذارند (گیدنز، ۱۳۸۷، ۱۳۹).

۳-۳- فضای شخصی

در تعریف فضای شخصی تفاوت های فرهنگی زیادی وجود دارد. در فرهنگ غربی وقتی مردم وارد کنش متقابل کانونی می شوند فاصله ای به اندازه دست کم یک متر را حفظ می کنند؛ اما اگر در کنار هم پهلو به پهلو بایستند، ممکن است به هم نزدیک تر شوند. در کنش های متقابل عادی حساس ترین و تنش زا ترین مناطق عبارتند از فاصله صمیمانه و فاصله شخصی. اگر این حلو مرزها زیر پا گذاشته شوند مردم سعی می کنند فضای مختص به خویش را دوباره به تصرف درآورند. شاید ما به کسانی که وارد این حریم شخصی و صمیمانه مان می شوند چنان زل بزنیم که انگار می گوئیم «برو کنار» یا با آرنج آن ها را کنار بزنیم. وقتی مردم به ناچار نزدیک تر از حد مطلوبشان در کنار یکدیگر قرار می گیرند ممکن است نوعی حد و مرز فیزیکی برای خود ایجاد کنند، کسی که در یک کتابخانه شلوغ نشسته و مشغول مطالعه است ممکن است با



چیدن کتاب‌های روی لبه میز حریم خصوصی خود را مشخص کند (هال، ۱۹۵۹، ۱۹۶۶ به نقل از گیدنز، ۱۳۸۷، ۱۴۲).

۳-۴- کنش جمعی

کنش جمعی را می‌توان کنشی دانست که در آن جمعی (بیش از یک نفر) برای رسیدن به نفعی جمعی با هم همکاری می‌کنند. بنابراین در این تعریف دو عنصر مهم و اساسی وجود دارد که شاکله کنش جمعی هستند: همکاری (اکسلراد، ۱۹۸۴؛ باندیرا، بارانکای و رسول، ۲۰۰۵) و نفع جمعی (مارول، اولیور و پرال، ۱۹۸۸).

۳-۵- همکاری

همکاری عبارت است از انطباق و هماهنگی سیاست‌ها در راستای منافع مشترک (واعظی) به عبارت دیگر هر عضو جمع سهم خود را در تولید نفع مشترک ادا می‌کند. این ادای سهم هزینه دارد. در مقابل کسانی که همکاری می‌کنند کسانی هم هستند که از مواهب خیر جمعی برخوردار می‌شوند اما سهم خود را در تولید خیر جمعی ادا نمی‌کنند این افراد را قاصر^۳ می‌نامیم. اگر کنشگر را دارای عقلانیت ابزاری فرض کنیم آنگاه این امکان وجود دارد که هنگامی که افراد مطمئن هستند از خیر جمعی مانند دیگران بهره‌مند خواهند شد دست به سواستفاده بزنند و ترجیح بدهند سهم خود را در هزینه‌های تولید نپردازند. (اولسون، ۱۹۶۵؛ توملا، ۱۹۹۲ به نقل از اصغرپور، ۱۳۸۸)

۳-۶- خیر جمعی

خیر جمعی یا کالای مشترک، محصول کنش جمعی است. معمولاً فرض می‌شود که اشخاص از چیرستی این خیر آگاه هستند و این خیر برای آنان مطلوب است چرا که برای برخورداری از چنین خیری به جمع پیوسته‌اند. خیر جمعی انگیزه^۴ افراد برای پرداخت هزینه و همکاری است. در حالت کلی اشخاصی که علاقه‌مند به برخورداری از نفعی هستند و می‌دانند به تنهایی قادر به تولید آن نیستند به هم می‌پیوندند تا نفع را تولید کنند (آگروال و گوپال، ۲۰۰۱).

۴. روش تحقیق

۴-۱- مطالعه موردی

با توجه به هدف دست‌یابی به ادراک ساکنان مجتمع‌های مسکونی مناسب‌ترین استراتژی، استراتژی تحقیق کیفی و روش مورد استفاده نیز روش مطالعه موردی می‌باشد از آنجا که قصد داریم شکل‌گیری

³defector



و بروز یک پدیده پیچیده مثل روابط اجتماعی را بررسی کنیم ناگزیریم حوزه مطالعه خود را به یک مورد محدود کنیم. این مورد را حتی الامکان از تمام زوایا مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تحلیل کیفی تحقیق حاضر بر اساس نظریه زمینه ای تحلیل شده است. نظریه زمینه ای یک نظریه مساله محور و مبتنی بر ارتباط دادن مراحل و گام‌هایی است که به ایجاد ساختار نظری یک مساله کمک می‌کند. در فرآیند ساخت نظریه زمینه ای، داده های گردآوری شده به مفاهیم یا کد تبدیل و در یک پیوستار فرآیندی به هم متصل می‌شوند (گلاس و همکاران، ۱۹۷۶ به نقل از محمدپور و ایمان، ۱۳۸۷).

۲-۴- انتخاب مورد مطالعه

مورد بررسی تحقیق، ساکنان مجتمع مسکونی لاله واقع در بولوار شاهد شهر مشهد می‌باشد. مجتمع لاله دارای چهار بلوک بوده که هر کدام شامل ۱۴ واحد می‌شود. در مجموع ۵۴ واحد در این مجتمع وجود دارد که تعداد ۱۴ واحد از آن نیز خالی می‌باشد. داده ها از طریق تمام شماری گرد آوری شده است. مناسب ترین شیوه گردآوری اطلاعات در روش زمینه ای مصاحبه عمیق با افراد است که در این تحقیق مصاحبه نیمه ساخت یافته در مورد خانوار صورت گرفت و سعی می‌شود با مصاحبه با افراد به ادراک آنان از چیستی و عوامل همکاری و خیر جمعی پی برده شود. بنابراین با توجه به محدودیت‌های تحقیق^۴ ۳۵ مصاحبه در مورد خانوار صورت گرفت.

۳-۴- روش تجزیه و تحلیل یافته ها

برای ارائه نظریه زمینه ای- که در پژوهش حاضر به عنوان روش تحلیل داده ها مورد استفاده قرار می‌گیرد- کدگذاری^۵ و طبقه بندی در کل جریان تحقیق انجام می‌گیرد. از نقطه شروع تحقیق، تحلیلگر داده ها را کدگذاری می‌کند. کدگذاری فرآیندی است که به وسیله آن مفاهیم با موضوعات تشخیص داده شده و نامگذاری می‌شود. داده ها تغییر شکل داده و محدود تر می‌شوند تا مقوله ها ساخته شود. از طریق ایجاد این مقوله ها نظریه شکل می‌گیرد (اسپتسیاله، ۱۳۸۹) سرواینسون و برگنهامر سه روش برای کدگذاری بر می شمارد که در این پژوهش نگارنده از این نوع کدگذاری بهره می‌گیرد:

- کدگذاری باز: بررسی، برچسب زدن و مقوله بندی داده ها.
- کدگذاری محوری^۶: این مرحله شامل تعیین الگوهای موجود در داده ها است.

^۴ منظور از محدودیت های تحقیق این است که برخی از ساکنین مسن قادر به پاسخگویی نبودند و همچنین برخی ساکنین با مراجعات مکرر

نیز در دسترس نبودند.

^۵ coding

^۶ Open coding

^۷ Axial coding



• کدگذاری گزینشی^۸: این مرحله شامل تعیین الگوهای موجود در داده ها است. در این مرحله داده ها را به صورت جدید کنار هم گذارده و رابطه بین مقوله ها را بررسی می کنیم. (سرواینسون و برگنهامر، ۱۹۹۹ به نقل از پرویزی، ۱۳۸۲: ۱۰۲)

پس از تعیین مقوله^۹ محوری یا هسته، سایر مقولات حول مقوله^۹ محوری در قالب یک مدل ترسیم می شوند. این مدل که درواقع همان نظریه زمینه ای است باید دارای سه بعد شرایط، تعاملات و پیامدها باشد

۵. یافته ها

در این بخش، با توجه به مسأله^۹ اساسی تحقیق و استفاده از مراحل کدگذاری رایج در نظریه^۹ مبنایی - کدگذاری باز، محوری و هسته ای - گام به گام به تحلیل مصاحبه ها پرداخته و نتایج هر مرحله از تحلیل ارائه می گردد. هم چنین برای تکمیل و تأیید این روند، از یافته های دیگر مشاهدات و اسناد نیز استفاده شده است. پیش از ورود به مبحث اصلی، به منظور آشنایی بیشتر با سوژه مورد مطالعه برخی از مهم ترین خصوصیات آندر اینجا ارائه می شود.

۵-۱- یافته های توصیفی

مجمع لاله در منطقه ۱۰ شهرداری واقع در بولوار شاهد، شاهد ۸۳ قرار دارد. قبل و بعد از این مجتمع به مساحت زیادی هیچ گونه خانه ای وجود ندارد و تنها دو مجتمع آپارتمانی در کنار هم قرار گرفته اند. در اطراف این مجتمع انباری بزرگ و سوله کارخانه مشاهده می شود. در ابتدا در این منطقه، منزل مسکونی وجود نداشته است، پس از ساخت مجتمع لاله ۱، که بیش از ۱۰۰ واحد می باشد، مجتمع لاله ۲ در پارکینگ لاله ۱ توسط بانک مسکن ساخته شد. جهت حفظ امنیت دور مجتمع حصار وجود دارد و همچنین دارای نگهبان هستند. مجتمع لاله دو ممر است؛ بدین معنی که بین بزرگراه و خیابان شاهد ۸۳ واقع شده و دارای دو در می باشد. در ورودی در طرف بزرگراه قرار دارد. رفت و آمد خودروها از این در صورت می گیرد اما به جهت وجود فروشگاه در طرف دیگر، رفت و آمد ساکنین بیشتر از در واقع در خیابان صورت می گیرد. این در فاقد نگهبان می باشد. در وسط خیابان نهر گناباد قرار گرفته است که در این خیابان منزل مسکونی مشاهده می شود. ساکنین جهت خرید باید از پل نهر گناباد عبور کنند. در این مجتمع ۴ بلوک قرار گرفته است هر بلوک مشتمل بر ۱۴ واحد است که در نهایت ۵۶ واحد می شود. از مجموع آنان ۱۶ واحد یا به طور کلی تخلیه می باشد و یا برای استفاده در تعطیلات و استفاده های غیر اخلاقی خریداری شده است. در هر نیم طبقه و به اصطلاح پاگرد دو واحد قرار گرفته است. بنابراین در یک طرف بلوک سه طبقه و در طرف

⁸Selective coding



دیگر ۴ طبقه وجود دارد. گاز و آب در این مجتمع به طور مشترک استفاده می‌شود. هر بلوک دارای یک نماینده است و همچنین دارای یک مدیر ساختمان می‌باشد. البته لازم به ذکر است بلوک سه فاقد نماینده است. پارکینگ‌ها در زیر بلوک‌ها قرار گرفته‌اند. تعداد واحدها با تعداد بلوک‌ها برابر نیست. تعداد واحدها ۱۴ است در حالیکه تعداد پارکینگ‌ها ۸ است. به علت وجود فضای باز، برخی ساکنین در حیاط نیز پارک می‌کنند. پارکینگ‌ها به گونه ای ساخته نشده اند که بدون هیچ گونه مزاحمتی بتوان خودرو را داخل و خارج نمود بنابراین در صورتی که خودرویی در جلو پارک نماید خودروی عقبی می‌بایست خارج شود. داشتن یا نداشتن پارکینگ در سند منزل مشخص شده است و منزلی که دارای پارکینگ است تفاوت حدوداً یک میلونی دارد. جایگاه هر واحد به صورت کتبی نوشته شده و بر شیشه در ورودی نصب شده است: (البته تنها در بلوک ۱ و ۲ و ۴ دیده شده است):

در مجتمع فضای بازی دیده می‌شود که محیط مناسبی برای بازی کودکان می‌باشد. آن طور که محقق مشاهده نموده است قوانین، میزان شارژ و قبض هر واحد معمولاً به طور کتبی بر شیشه ها نصب می‌شود و ساکنین از این طریق از قوانین و یا جلسات مجتمع آگاهی پیدا می‌کنند. محقق مشاهده کرد بلوک سه دارای مشکلات نظافتی و ساختمانی مشهودی است. همچنین اطلاعیه ای مبنی بر پاره کردن قوانین مشاهده شد: «همسایه محترم اگر اطلاعیه ای بر درب چسبانده می‌شود برای اطلاع همگان و دیگر همسایه‌ها می‌باشد. این کار درست نمی‌باشد که اطلاعیه و اعلانات را پاره کنید و نشانه فرهنگ و شخصیت خانواده شما می‌باشد»

با توجه به آن که در قوانین آپارتمان نشینی ذکر شده است که نمای همه واحدها می‌بایست یکسان و شبیه به هم باشد اما نمای در ورودی برخی واحدها متفاوت از سایر واحدها است و برخی دیگر نیز از در آهنی استفاده نموده‌اند.

۲-۵- یافته های تحلیلی

داده های جمع آوری شده پس از پیاده سازی، کدگذاری شدند که در نهایت کدهای محوری زیر استخراج گردید:



جدول ۱: کدگذاری باز و محوری

مقولات عمده (کدگذاری محوری)	مقولات باز
موانع ساختاری	نبود موضوع مشترک تعامل جز منافع عمومی، برگزار نشدن مراسم مهمانی، خوابگاه بودن منزل، مستاجر بودن
موانع ارتباطی	عدم تماس چهره به چهره، نبود نقاط طلاقی در ساختمان، استفاده مقطعی از منزل مسکون، محدودیت‌های زمانی ساکنین
عدم اعتماد	
روابط قهر آمیز	نامیدن یکدیگر با الفاظ ناپسند
منفعت طلبی ساکنین	بی اهمیت بودن به مسایل ساختمان، ناچیز شمردن معضل، محاسبه سود و زیان، تغییر منفعت طلبانه هنجار
کنترل مرکزی ضعیف	بی سازمانی، عدم پیگیری مدیریت، نبود ضمانت اجرایی قوی
ذهنیت منفی	ترس از پیامد منفی ارتباط با همسایگان، عدم باور به همکاری دیگران، عدم باور به اثربخشی کنش جمعی
ترک تعامل	
فاصله تعاملی	روابط مبتنی بر اشتراکات خاص، روابط در حد سلام، عدم شناخت، ارتباط انحصاری با واحد هم طبقه
تبعیت	
سازگاری با معضلات	

"برگزاری مذهبی یا عروسی اینجا اصلاً نبوده. از وقتی یادم میاد نه عروسی اینجا هست نه عزا. اینقد این مجتمع ساکنه که اگه سروصدایی به شه خودمون هم به وجد میایم"

"متغیری که تاثیر میزازه تا بلوک بهتری باشه اینه که در اون بلوک‌ها تعداد مستاجرها خیلی کمتره. ما هر جا بریم با شرایط اونجا وفق پیدا می‌کنیم. چون مستاجریم مهم نیست اگه ساکن بود چند سال می‌بودیم اره کاری می‌کردیم"

مشغله‌های روزمره زندگی و نبود زمان کافی برای خانه بودن، خانه را به محلی برای خواب و استراحت تبدیل کرده است و همین امر منجر به کاهش میزان تعامل و شکل گیری همکاری حداقلی و همکاری بدون هماهنگی می‌گردد. یکی از عوامل بسیار مهم که منجر به همکاری حداقلی در مجتمع‌های مسکونی می‌شود محدودیت‌های زمانی است. با توجه به تفکیک‌های بیان شده در منزل و جدایی محل کار از زندگی افراد زمان بسیار کمی را در منزل سپری می‌کنند که همین امر در کاهش معاشرت با همسایگان و یا اطلاع از وضعیت آنان موثر است به همین علت است که افراد ترجیح می‌دهند به همسایگان خود کاری نداشته باشند. از اینرو غریبگی و میل به ناشناخته بودن تبدیل به هنجار اجتماعی مورد پسند در آپارتمان نشینی می‌شود. نقل قول‌های زیر نشان دهنده شرایط ساختاری در گفتار مصاحبه کننده می‌باشد.

"من اصلاً خونه نیستم اصلاً اهالی ساختمان رو نمی‌بینم فقط در حد سلام و علیک. زیاد نمیشه رفت و امد داشت"



موانع ارتباطی

ارتباطات اشاره به کانال‌هایی دارد که اعضای گروه همکار استفاده می‌کنند تا اطلاعات را ارسال و دریافت کنند، یکدیگر را آگاه نگه دارند و عقاید خود را برای تاثیر بر اقدام‌های گروه انتقال دهند. ساخت برخی مجتمع‌های مسکونی به گونه ای است که نقاط طلاق‌ی ساکنان با یکدیگر بسیار کم است و همین امر باعث می‌شود تماس چهره به چهره آن‌ها کمتر امکان پذیر باشد. علاوه بر این برخی ساکنین به طور قطعی از منزل استفاده می‌کنند و در حال رفت و آمد می‌باشند. همین امر تعامل آنان را کمرنگ تر می‌نماید. در این زمینه مصاحبه شوندگان می‌گویند:

"توافقی نداشتید تا حالا؟ نه می‌دونید نه با همسایه‌ها رابطه داریم نه اونها با ما، ما اصلا همدیگر رو نمی‌بینیم. اینجا دیگه همه شده مجردی برای خودش میاد و میره و عشق و حال می‌کنه. یکی مال یک حاج آقااست که با دوستاش میاد خوش میگذرونه و میره"

"ما توی بلوکمون خوشبختانه سه تا بلوک نیستند. خونه روگرفتند گاهی برای زیارت میان هتل و اینا نمیرن میان اینجا"

عدم اعتماد

به دلیل عدم شناخت بین ساکنان اعتماد در بین آنان بسیار پایین بوده و حتی در برابر یکدیگر نیز احساس ناامنی هستند. در این رابطه یکی از ساکنان می‌گوید:

"چون هیچ شناختی از همسایه‌ها ندارم نمی‌تونم هم فرزندم رو بفرستم خونشون احساس نگرانی می‌کنم. و چون هیچ شناختی ندارم نمی‌تونم به گم که حاضرم بهشون ماشین یا پول بدم"

منفعت طلبی ساکنین

ارزش‌ها عقایدی است که افراد یا گروه‌های انسانی درباره آن‌چه مطلوب، مناسب، خوب یا بد استانداردند. ارزش‌های مختلف نمایانگر جنبه‌های اساسی تنوعات در فرهنگ انسانی است. در جهان مدرن با به وجود آمدن پیچیدگی ساختاری و افزایش فرد گرایی در پی تقسیم کار فزاینده شاهد رشد تنوع در ارزش‌ها و هنجارهای مورد پسند افراد می‌باشیم که همین امر در مجتمع‌های مسکونی تبدیل به عاملی جهت کاهش ارتباطات همسایگی و ایجاد همکاری و خیر جمعی می‌گردد. ساکنین اغلب به منفعت خویش فکر می‌کنند و نسبت به مسایل اطراف خویش بی توجه می‌باشند. برای مثال یکی از ساکنان می‌گوید:

"این‌ها اصلا به هیچ چیز کار ندارند. اگر اتفاق خوبی بیافته تشکر نمی‌کنن اگر هم اتفاق بدی بیافته اعتراضی نمی‌کنند. فقط سرشون توی کار خودشونه. این‌ها یک نون روی زمین باشه بر نمی‌دارند. در این حد بی تفاوتند"



کنترل مرکزی ضعیف

منابع شامل درون داده‌های انسانی هستند که برای ایجاد و بقای یک گروه همکار ضروری‌اند. با توجه به همکاری حداقلی همسایگان به یک مدیر و فردی که کنش‌ها را سازمان دهد احساس می‌شود. فردی که گروه همکار را دور هم جمع می‌کند از مهارت‌های خط مشی صحیح و سازمان دهی امور و مشکلات برخوردار است. مدیریت خوب دارای مهارت سازماندهی کنش‌های و ارتباط‌های میان فردی است که اگر برنامه ریزی و خط مشی مناسبی را به کار ببرد سایر همسایگان به همکاری و کنش جمعی مشتاق‌تر می‌شوند. فردی که گروه همکار را دور هم جمع می‌کند از مهارت‌های برقراری ارتباط میان فردی و سازمان دهی برخوردار است و این نقش را با بی طرفی و بدون غرض ورزی انجام می‌دهد. این فرد به دلیل برخورداری از چنین ویژگی‌هایی در میان اعضای همکار دارای مشروعیت و مورد احترام هست.

"شما خودتون کسی رو نیاوردید؟ نه ما کسی رو نیاوردیم. اینا همه کارهایی که مدیریت باید انجام بده. چون اگه ما انجام بدیم میگن چرا این کار رو کردید بعد پولش رو ندن. یا اگه صاحب خونه بودیم مجبور می‌کردیم بیارن. ولی الان نمیشه."

"شما مستقیم گفتید؟ اولش به مدیر زنگ زدیم که به این بگید این کارو بکنید. اونم سر کار بود به این زنگ زده بود. ولی این هر کار خواست کرد."

ذهنیت منفی

باور به پیامدهای ارتباط با دیگران نقش بسیار مهمی در ذهنیت افراد ایجاد می‌کند. آنان ترجیح می‌دهند تا با اقوام خویش تعامل داشته باشند تا با همسایگان. برخی از ساکنان نیز از فرستادن کودکان خویش به خانه همسایگان احساس نگرانی می‌کردند.

"من فقط با یکی رابطه دارم به چم رو فقط خونه همین یک نفر می‌فرستم بالا. به چم از پله ها میره بالا من احساس نگرانی می‌کنم. با چند نفر توی بلوک چهار هم رابطه دارم. خانم فرهادی. خانم جلالی توی بلوک دو."

فاصله تعاملی

واکنشی که همکاران به صورت غیر رسمی در مقابل همکار دیگر از خود نشان می‌دهند ابزاری برای ایجاد همکاری است. تعامل اجتماعی منفی و برخورد سرد با سایر افراد یکی از عواملی است که واکنش منفی دیگران را در بردارد. چنانچه افراد مجتمع مسکونی دارای تعامل اجتماعی گرم باشند و مشکلاتی



کوچک خود را با برخوردی مثبت بپذیرند و سعی در برطرف نمودن آن داشته باشند سایر افراد نیز به مدارا و سازش با فرد مذکور تمایل پیدا می‌کنند. اما افراد به دلیل تمایل به عدم ارتباط با همسایگان و ناشناختگی اغلب روابط سردی از خود نشان می‌دهند تا هنجار مورد پسند خود یعنی میل به ناشناخته بودن را ابراز دارند.

"من سعی می‌کنم همسایه‌ها با من تمایل‌اشنایی داشته باشند، سعی می‌کنم خوش رویی نشون بدم که نگند چقد خشک و عنقه. الان دیگه فامیلا با هم رفت و آمد نمی‌کنند چه برسه به همسایه‌ها. فقط در زمینه ساختمان و درد و دل اقتصادی داریم. ولی خودم تمایلی به این ندارم که رابطه رو شروع کنم."

"من با هیچ کس رابطه ندارم. در حد سلام و علیک هست. دوست ندارم بیشتر رابطه داشته باشم. همینجوری بهتره. چون وقت ندارم. دوری و دوستی"

"فقط با یک همسایه رابطه داریم، اونم خیلی کم. بچش هم کلاس بچه منه. گاه گذاری مریض بوده رفتیم حالش رو پرسیدیم"

تبعیت از مدیر

ویژگی‌های اعضا شامل مهارت‌ها، نگرش‌ها و عقاید افراد در یک گروه همکار و همچنین فرهنگ و توان سازمان‌هایی است که این گروه‌های همکار را تشکیل می‌دهند. برخی از ساکنان در چنین مواقعی ترجیح می‌دهند به جای درگیری در همکاری‌های پیچیده کمترین همکاری یعنی تبعیت از مدیر را بپذیرند.

"نماینده بلوک هر کاری می‌کنه من قبول دارم من هیچ اعتراضی نمی‌کنم نماینده هر کار بخاد می‌کنه"

سازگاری

گروه همکار توانایی حفظ و کنترل خود را در بحبوحه تغییرات عمده حتی در شرایط متغیر را دارد. تغییرات عمده در مجتمع‌های مسکونی عموماً با مقاومت افراد مواجه می‌شود چرا که افراد از بنیه مالی و حمایتی قوی برخوردار نیستند و حتی درگیری‌های مطرح شده امکان تطبیق با شرایط عمده را از افراد سلب می‌کند.

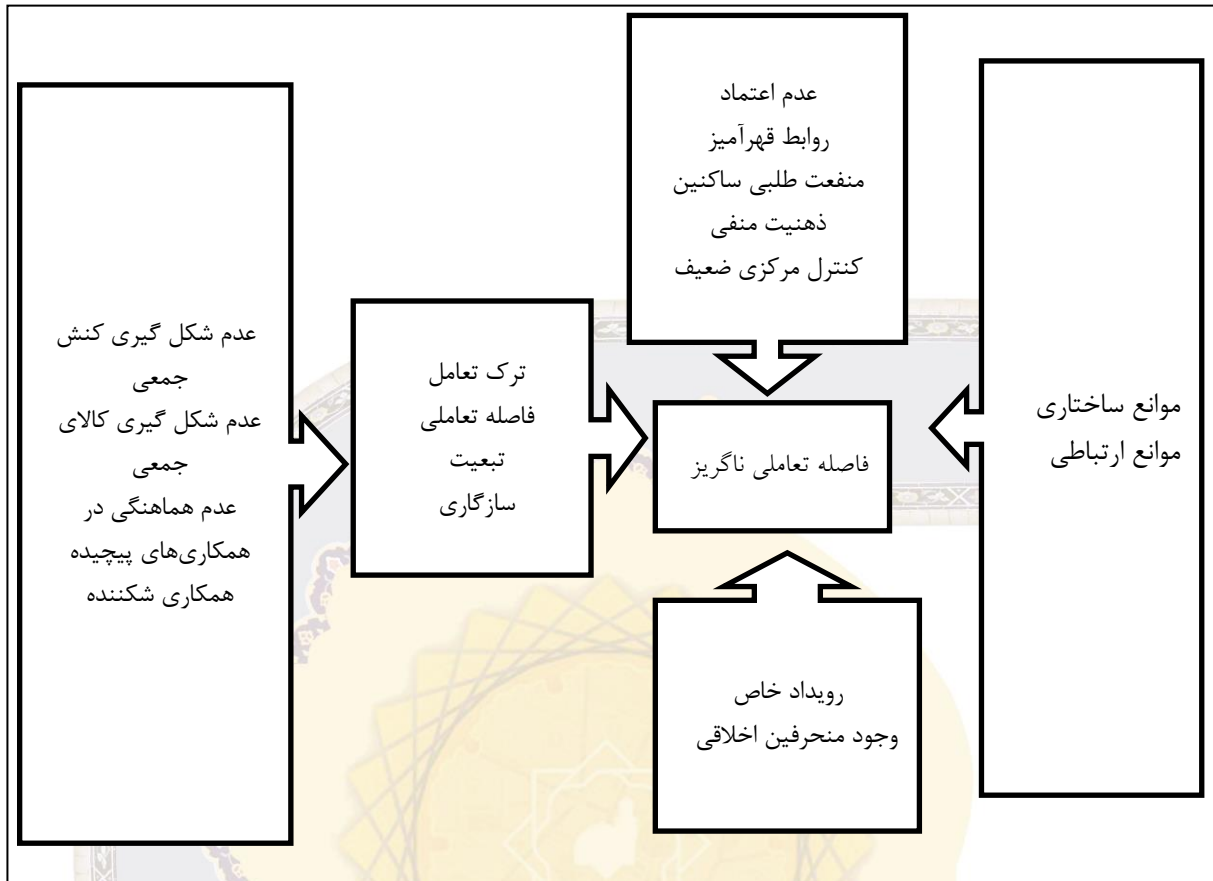
"من چند بار می‌خاستم برم با اینی که جای پارک رو رعایت نمی‌کنه بحث کنم و بنویسم زیر برف پاک کنش ولی شوهرم نگذاشت. اون خیلی مدارا می‌کنه."

"برای مشترک بودن گاز اول اعتراض کردیم که ما اصلاً خونه نیستیم، نه آب مصرف می‌کنیم نه گاز. هیچی. بعد بهمون گفتند که قانونه دیگه شما چه خونه باشید چه خونه نباشید باید پول رو بدید. ما هم قبول کردیم دیگه. گفتیم بسازیم با این قضیه"



۵. نتیجه گیری

انسان به تنهایی قادر به ادامهٔ حیات نیست، به همین دلیل به زندگی اجتماعی روی می‌آورد. این موجود به غایت نیازمند، تنها در کنار هم‌نوعان خود می‌تواند به نیازهای مادی و معنوی خود پاسخ دهد، لذا انسان‌ها به منظور تامین نیازهای خود دور هم جمع می‌شوند که منجر به شکل‌گیری روابط و مناسبات اجتماعی بین آنها می‌شود در حقیقت همین روابط موجب انسجام و پایداری و استقرار در جامعه می‌گردد. روابط اجتماعی موجب می‌شود که کنشگران با گسترش پیوندهای خود، کنش‌های خود را در ساختار جامعه تسهیل نمایند و از این طریق به اهداف خود دست یابند. همه افراد جامعه به نوعی در تلاش برای برقراری ارتباط با دیگران می‌باشند تا مبادلات خود را در زمینه‌های مختلف سرعت دهند. همراه با شتاب گرفتن ضرباهنگ زندگی، مردم به نحو فزاینده‌ای خود را منزوی‌تر می‌کنند؛ اکنون ما بیشتر با تلویزیون‌ها و رایانه‌هایمان کنش متقابل داریم تا با همسایگان. نزدیکی فضایی در مجتمع مسکونی می‌تواند به یک معضل در زندگی کلان شهری تبدیل شود و زمینه ساز آسیب‌های دیگری گردد. با این که اساس جامعه مدرن بر تفکیک میان حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی مبتنی است اما به نظر می‌رسد این تفکیک‌ها در برخی موارد منجر به غیرانسانی شدن یا غیراجتماعی شدن این حوزه‌ها می‌شود و برای مثال در جامعهٔ مدرن با افزایش جمعیت و شکل‌گیری پیچیدگی‌های ساختاری میان کارکردهای نهادهای شکاف ایجاد شده است. بسیاری از کارکردهای نهادهای سنتی بر عهدهٔ سایر نهادهای قرار گرفته است. و همچنین همزمان با این مساله میان محل زندگی و کار افراد نیز تفکیک ایجاد شده است. خانه و خانواده بسیاری از کارکردهای خود را در جامعهٔ مدرن از دست داده است و تنها به محلی برای خواب و استراحت تبدیل شده است. در چنین شرایطی افراد سعی می‌کنند فعالیت‌های روزمره خود را در محیط‌های تخصصی آن انجام دهند.



شکل ۱: مدل پارادایمی نظریه زمین

از اینرو همسایگان نیز از یکدیگر انتظار دارند در امور یکدیگر دخالت نکنند و در اصطلاح «کاری به کار یکدیگر» نداشته باشند. فقدان تعامل در مجتمع مسکونی امر سرمایه های کوچک و پراکنده را بی اثر کرده، تلاش های خرد و دارایی های جمعی افراد را هدر می دهد و محیط ناامنی را برای افراد به وجود می آورد که از لحاظ روحی و روانی بر کیفیت زندگی افراد تاثیر گذار می باشد. جهت انجام این بررسی از روش مطالعه موردی استفاده گردید که با استفاده از روش نظریه زمینه ای مورد تحلیل قرار گرفت. مجتمع مسکونی لاله با ۵۴ واحد به عنوان مورد مطالعه انتخاب شد که از آن میان با ۳۵ خانوار مصاحبه نیمه ساختاریافته صورت گرفت. داده های جمع آوری شده پس از پیاده سازی، کدگذاری شدند. یافته های تحقیق بیانگر آن است که موانع ساختاری و موانع ارتباطی زمینه ساز فاصله تعاملی گریز ناپذیر هستند.

کنش های افراد در مکان نمود پیدا می کند. ساختارهای کالبدی و فیزیکی زمینه شکل گیری کنش ها هستند، بنابراین در شرایطی که کالبد مجتمع های مسکونی اجازه تعامل نمی دهد نمی توان انتظار شکل گیری تعامل و کنش جمعی را داشت علاوه بر این یکی از عوامل بسیار مهم که منجر به کاهش تعاملات در مجتمع های مسکونی می شود محدودیت های زمانی است. با توجه به تفکیک های بیان شده در منزل و



جدایی محل کار از زندگی افراد زمان بسیار کمی را در منزل سپری می کنند که همین امر در کاهش معاشرت با همسایگان و یا اطلاع از وضعیت آنان موثر است به همین علت است که افراد ترجیح می دهند به همسایگان خود کاری نداشته باشند. از اینرو غریبی و میل به ناشناخته بودن تبدیل به هنجار اجتماعی مورد پسند در آپارتمان نشینی می شود. حضور بلند مدت یا وجود چشم انداز سکونت بلند مدت در یک مکان موجب می شود افراد سرمایه گذاری های مالی و اجتماعی بیشتری انجام دهند. مستاجرانی که تنها برای یک سال در مجتمعی زندگی می کنند سرمایه گذاری فراوان برای ایجاد شبکه های اجتماعی را به صرفه نمی دانند و حتی تمایل زیادی به بهبود کیفیت زندگی عینی محیط هم ندارند. مدرنیته ناقص شخصیت هایی را به وجود آورده است که نه دارای خصایص شخصیت های سنتی هستند و نه خصایص شخصیت مدرن؛ نه آنقدر عام گرا هستند که بتوانند در کنار غریبه ها زندگی کنند و نه آنقدر خاص گرا هستند که تمایل به زندگی در کنار خویشاوندانشان را داشته باشند. افراد درونگرا و پرمشغله تمایل به گسترش شبکه اجتماعی خویش ندارند. این دسته از افراد به خانه به عنوان محلی برای خواب و استراحت نگاه می کنند از اینرو تمایل دارند کمترین تعامل بین آن ها و سایرین صورت بگیرد و به همین دلیل همکاری بدون هماهنگی پیامد این امر می باشد. اعتماد و پیوندهای ارتباطی بیشتر بین افراد مجتمع مسکونی و همچنین گسترش کانال های ارسال و دریافت اطلاعات در افزایش همکاری نقش موثری ایفا می نماید. در چنین شرایطی نیاز به وجود فردی مدبر که وظایف ساختمان را بر عهده بگیرد و کنش های موجود را سازماندهی نماید احساس می شود. و می بایست فردی که دارای قدرت و توان کنترل مرکزی باشد بتواند گروه همکار را دور هم جمع کند. این فرد به دلیل برخورداری از چنین ویژگی هایی در میان اعضای همکار دارای مشروعیت و مورد احترام هست. لذا می توان گفت در نتیجه تعاملات مذکور و تفکیک های افراطی فاصله تعاملی گریز ناپذیر به عنوان مقوله گزینشی این تحقیق انتخاب شد که همکاری حداقلی، عدم همکاری در هماهنگی های پیچیده، عدم شکل گیری کنش جمعی و کالای جمعی از جمله پیامدهای این امر می باشد اغلب افراد ترجیح می دهند در فرایند شکل گیری همکاری دخالتی نداشته باشند و کمترین همکاری موجود در بین ساکنین به وجود می آید این همکاری با پرداخت پول غالباً صورت می گیرد و هیچ گونه هماهنگی در پی ندارد و همکاری های بسیار ابتدایی و سطحی را در پی خواهد داشت که هر لحظه امکان فروپاشی برای آن وجود دارد.



۶. منابع و مراجع

- ۱- ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۸۹)، آپارتمان نشینی در شهرهای اسلامی و مشکلات فرهنگی ناشی از آن، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام، ایران، زاهدان.
- ۲- انصاری، ابراهیم، عطایی، پری. (۱۳۹۱). بررسی میزان و تاثیر سرمایه اجتماعی بر روابط اجتماعی ساکنان مجتمع های مسکونی (مطالعه موردی دو منطقه از شهر اصفهان)، مجله مطالعات شهری، سال دوم، شماره دوم.
- ۳- اسپتسیاله، هلن استروبرت. (۱۳۸۹) تحقیقات کیفی در پرستاری: پیشرفت در زمینه ویژگی های انسانی. ترجمه مصطفی شوکت آبادی. تهران: صالحی.
- ۴- اشتراوس، آنسلم، کورین، جولیت. (۱۳۹۰) مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه کیفی، ترجمه ابراهیم افشار، تهران، نشر نی.
- ۵- فلیک، اوه. (۱۳۸۷) درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- ۶- محمدپور، احمد، محمدتقی ایمان. (۱۳۸۷) بازسازی معنایی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقه اورامان تخت کردستان ایران: ارائه یک نظریه زمینه ای. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸.
- ۷- محسنی تبریزی، علیرضا و همکاران (۱۳۹۰)، مطالعه میزان مشکلات آپارتمان نشینی و عوامل تأثیر گذار بر آن در کرج، علوم اجتماعی "تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، شماره ۶۰.
- ۸- گیدنز، آنتونی؛ (۱۳۸۷) جامعه شناسی، منوچهر صبوری، تهران، نی، چاپ بیست و دوم.
- 9- Argawal, A. and Goyal. (2001) "Group size and collective action – Third- parts monitoring in common-pool resource." Comparative political studies. 34:63-93.
- 10- Axelrod, Robert (1984) The Evolution of cooperation: basic books.
- 11- Bandiera, O.I. Barankay, and I. Rasul (2005) "cooperation in collective action." Economics of Transition: 13:473-498.
- 12- Marwell, G.P.E. Oliver, and R. Prahal (1998) "social network and collective action – a theory of the critical mass. 3." American journal of sociology. 94:50-2-534.
- 13- Olson, Mancur (1965) The Logic of collective action. Cambridge: Harvard University Press.